یادداشت روز

دولت، آخرین توصیه‌های امام شهید را فراموش نکند!

حسن رشوند

سال گذشته در یکسالگی دولت چهاردهم یادداشتی با عنوان «دولت؛ حمایت واقع‌بینانه، نقد منصفانه» در همین ستون نوشتم که مبنای آن یادداشت سخنان حکیمانه امام شهیدمان درباره ضرورت «اتحاد مقدس» و تاکید بر اتحاد و همدلی بین مردم و مسئولان بود. انصافا در این یک سالی که گذشت هم مردم و هم قوای سه‌گانه در همین مسیر گام برداشتند و بیشترین همراهی را برای عبور از جنگ سوم رمضان که از نگاه صاحب‌نظران نظامی هنوز به پایان نرسیده، داشتند و کارنامه درخشانی از خود بر جای گذاشتند که اگر چنین نمی‌شد امروز شاید در این نقطه اتکاء و استیصال دشمن قرار نداشتیم. اما نباید فراموش کرد که در همان آغازین روزهایی که دولت چهاردهم در شهریور ۱۴۰۳ سکان اجرائی کشور را عهده‌دار شده بود، امام شهید امت با ۸ توصیه به دولت، همچون چراغی راهنما، مسیر را برای دولتی که با نفسی تازه وارد میدان شده بود، روشن کردند. این سخنان، تنها یک سری توصیه مدیریتی ساده برای یک کابینه نبود؛ بلکه «نقشه راه استراتژیک» برای عبور از تنگناهای تاریخی و پیاده‌سازی حاکمیت ملی در عصر نوین جنگ‌های ترکیبی بود. رهبری در آن سخنان، هشت ستون اصلی بقا و تعالی را ترسیم کردند: از «خرد تجربه» و «گزینش انقلابی» تا «عدالت و رعایت اولویت‌ها» و «حکمرانی قانونمند در فضای مجازی». اکنون، پس از گذشت دو سال از کار دولت و تجربه دو آزمون سخت و سنگین «جنگ ۱۲ روزه» و «جنگ رمضان»، باید با نگاهی نقادانه و دور از حب و بغض‌ها پرسید: آیا دولت چهاردهم توانسته است این فرمان‌ها را از «کلام گهربار» به «کیمیایی بی‌بدیل» تبدیل کند، یا صرفاً در سطح «ادبیات کارشناسی» و «تکنوکرات‌های مصلحت‌طلب» درجا زده است؟ آنچه مسلم است در این دو سال شخص رئیس‌جمهور و معاون اول تمام تلاش خود را مصروف کردند تا کشوری که در طول یک سال درگیر دو جنگ نابرابر با دو رژیم جنایتکار و فراتر از آن باکشورک‌های دنباله‌رو منطقه‌ای آنها شده است با بحران لاینحلی مواجه نشود و انصافا کابینه هم در بیشتر زمینه‌ها، رئیس‌جمهور محترم را در اداره کشور کمک کرد ولی سؤال اینجاست آیا دولت نمی‌توانست فراتر از کارهایی که انجام داده، توصیه‌ها و تاکیدات امام شهید را در این دو سال به عنوان نسخه بی‌بدیل مدیریت کشور دنبال کند؟

۱- امام شهید و حکیم انقلاب در آغاز کار دولت، هشدار دادند که نباید اجازه داد «ته‌نشین‌های ذهنی غلط» در لباس کارشناسی، مسیر کشور را منحرف کنند. ایشان بر «کارشناسی برآمده از ملاحظات ملت» تاکید داشتند، نه کارشناسی‌هایی که با رضایت رفقا و صاحبان نفوذ، ملت را ناراضی می‌کند. در دو سال فعالیت دولت چهاردهم، شاهد بودیم که چالش اصلی، تقابل میان «کارشناسی مصلحت‌اندیش» و «کارشناسی انقلابی» وجود داشت. اگرچه در بخش‌هایی از بدنه اجرائی، تلاش‌هایی برای تزریق نیروهای جوان و پرانگیزه صورت گرفت، اما هنوز در لایه‌های عمیق مدیریتی، سایه سنگین همان آدم‌هایی دیده می‌شود که به تعبیر امیرالمؤمنین که رهبری شهید به آن استناد کردند «لا تُدخِلَنّ فی مَشورَتِکَ بَخیلاً... وَ لا جَباناً؛ با بخیل مشورت نکن.» که این جماعت از مواجهه با موانع عقب‌نشینی می‌کنند. دولت در مواجهه با بحران‌های اقتصادی، گاهی بیش از آنکه به دنبال «راهکار جرأت‌مندانه» باشد، درگیر «توجیهات فنی ناشی از ترس» برخی به اصطلاح کارشناسان است. با شناخت و تجربه رفتاری چنین کارشناسانی است که امام شهید ما در همان آغازین روز فعالیت دولت چهاردهم می‌فرمایند: «مواظب باشیم از کارشناسی استفاده کنیم که مؤمن باشد، صادق باشد، به توانمندی داخلی و ملّی کشور معتقد باشد، سرمایه‌های ملّی را بشناسد. از کارشناس‌هایی استفاده نکنیم که دنبال نسخه‌های نسخ‌شده خارجی‌اند.»

۲- برقراری عدالت در جامعه از دغدغه‌های همیشگی امام شهید بود که در همه ادوار از دولت‌ها ازجمله از دولت چهاردهم هم مطالبه کردند. ایشان در این باره فرمودند: «من چندسال قبل از این، "پیوست عدالت" را مطرح کردم؛ گفتم شما هر قانونی تصویب می‌کنید، هر تصمیمی می‌خواهید بگیرید- تصمیم مهم، قانون مهم- یک پیوست عدالت برایش تهیّه کنید. مرحوم آقای رئیسی یک مقداری هم در این قضیّه پیش رفت؛ ایشان کارهایی هم کردند، منتها نیمه‌کاره ماند. می‌خواهم این توصیه را به شما بکنم: پیوست عدالت لازم دارد. پیوست عدالت یک ترتیب اداری یا یک فرم تشریفاتی نیست، یک امر واقعی است... دنبال این بروید که چه جوری می‌توانید عدالت را اجرا کنید. جوری عمل بشود که هیچ مدیری و هیچ مسئولی نتواند تخلّف کند از آن راهی که به عدالت منتهی می‌شود.» شرایط جنگی در کشور کاملا قابل درک است ولی اینکه با وجود کمبود شدید منابع ارزی کشور، بانک مرکزی و وزارتخانه‌هایی که تسهیلگر دادن ارز به برخی افراد سودجو بودند برای بازپس گرفتن آن اراده‌ای نداشته باشند به گونه‌ای که به صراحت گفته می‌شود بیش از ۹۵ میلیارد دلار ارز این کشور در اختیار تعداد اندکی «تراستی» است که با گردن کلفتی از باز پس دادن پول این ملت سرباز می‌زنند، کجا با شاخص عدالت سازگاری دارد. قطعا اگر به این توصیه امام شهید که در همه اقدامات دولت باید «پیوست عدالت» وجود می‌داشت، عمل می‌شد حتما امروز شاهد نبودیم که کل ارز برای نهادهای دامی به یک نفر واگذار شود تا در شرایط خاص جنگی، سرنوشت تولید گوشت و مرغ کشور دست او باشد و یا بیشتر ارز به کسانی داده شود که به‌جای واردات کالا یا بازگشت ارز، در جای دیگری سرمایه‌گذاری کنند و سفره مردم روز به روز کوچک‌تر و شکم این عده رانت‌خوار بزرگ‌تر شود. ممکن است گفته شود این نابسامانی و بی‌توجهی‌ها تنها محصول این دولت نبوده و از دولت‌های گذشته به ارث رسیده است که این نکته درستی است، اما اکنون که کشور شدیدا تحت فشار منابع ارزی است، آیا نباید اقدامی عاجل صورت گیرد!

۳- یکی از کلیدی‌ترین محورهای توصیه امام شهید به دولت چهاردهم، «رعایت اولویت‌ها» بود؛ تفکیک میان کارهای زیرساختی و مسائل فوری نظیر گرانی و تورم. دولت چهاردهم با شروع کار خود ،ناخواسته با عرصه‌ای مواجه شد که در آن، مسایل «فوری» و «بنیادی» چنان در هم تنیده بودند که مدیریت آن‌ها به یک هنر فوق‌العاده نیاز داشت. در حالی که دولت در ابتدای کار به برنامه‌های بلندمدت تأکید داشت، فشارجامعه و مسئله «امنیت غذایی» مدام توجه دولت را به آن سمت جلب می‌کرد و این قضیه با ورود به دو جنگ، ناخواسته به عنوان مسئله اصلی و فوری دولت قرارگرفت. امروز هر چند تمام تلاش دولت این بوده که مایحتاج مردم با مشکل مواجه نشود و انصافا در تامین کالاهای اساسی به شایستگی عمل شده است، اما بخش زیادی از جامعه در تامین غذای روزمره خود دچار مشکل هستند. یک قرص نان سنگک ساده در ابتدای دولت چهاردهم از ۳ هزار تومان به ۵ هزار تومان افزایش یافت و اکنون یک کارگر که بر اساس حقوق و دستمزد سال ۱۴۰۵ ماهانه ۱۶میلیون و ۵۳۶ هزار تومان حقوق دریافت می‌کند باید برای یک قرص نان، ۳۸ هزار تومان پرداخت کند. تصور کنید کارگری با دو سر عائله و حداکثر ۲۰ میلیون تومان حقوق، اگر روزی ۳ قرص نان و سه عدد تخم مرغ مصرف کند، باید در ماه ۵ میلیون ۶۷۰ هزار تومان از حقوق خود را فقط برای همین دو قلم بپردازد. گوشت و مرغ و اجاره بهاء سرسام‌آور و... که نگفتنی است. کدام مسئله فوری‌تر و اولویت‌دار تر از کاهش هزینه‌های زندگی و قوت لایموت مردم وجود دارد؟

۴- امام شهید انقلاب در همان اولین دیدار با کابینه چهاردهم نگرانی خود را از رها بودن فضای مجازی به دولت گوشزد کردند و با بیانی صریح، فضای مجازی «رها و ول» به نقد کشیدند و بر «حکمرانی قانونمند» تأکید ورزیدند. این در حالی است که در دولت چهاردهم، فضای مجازی از یک ابزار اطلاع‌رسانی به یک میدان جنگ تمام‌عیار برای نفوذ دشمن تبدیل شده است که اوج آن را در فتنه دی ماه ۱۴۰۴ دیدیم که این فضا محل آموزش استفاده از سلاح و ساخت مواد آتش‌زا برای حمله به اماکن حساس و مردم شده بود و امروز همین فضا محل انواع بی‌بندباری‌های اجتماعی که کانون خانواده‌ها را نشانه رفته، شده است.

۵- رهبر شهید انقلاب فرمودند: «هیچ برنامه‌ای بدون مانع نیست... سعی کنید از مانع عبور کنید یا آن را دور بزنید.» در جریان «جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان»، دولت با چالشی مواجه شد که مستقیماً «امنیت ملی» و «حاکمیت ملی» را هدف گرفته بود.

بقیه در صفحه ۷

گزارش خبری تحلیلی کیهان

اعزام میانجی، عملیات فریب است در پاسخ پشیمان‌کننده تردید نکنید

سرویس سیاسی-

سفر شتاب‌زده میانجی‌های منطقه‌ای به تهران، فاز جدید «عملیات فریب کاخ سفید» برای خروج از باتلاق جنگ است. ترامپ با چماق تحریم و آب نبات مذاکره، درصدد تغییر محاسبات مسئولان است؛ قماری که البته با جاده‌صاف‌کنی مدعیان اصلاحات همراه شده، اما پاسخ قاطع شورای‌عالی امنیت ملی نشان می‌دهد هر غلط اضافه با پاسخی پشیمان‌کننده مواجه می‌شود.

دونالد ترامپ پس از شکست در میدان، اینک به راهبرد نخ‌نما و پوسیده «تحریم و جنگ اقتصادی» کوچ کرده و در جدیدترین اقدام، دست به دامن مهره‌های نیابتی خود یا به قول جریان مدعی اصلاحات «فرشتگان نجات تفاهم» شده است؛ رفت‌وآمدهایی شتاب‌زده تا شاید بتواند واشنگتن را از این مخمصه خودساخته بیرون کشیده و ایران را به میز مذاکره بازگرداند.

اما آنچه در صحنه دیپلماسی تحت عنوان سفر «عاصم منیر» فرمانده ارتش پاکستان و «بدر البوسعیدی» وزیر خارجه عمان به تهران دنبال می‌شود، پیش از آنکه یک ابتکار عمل مستقل باشد، رونمایی از فاز جدید «عملیات فریب» کاخ سفید است. آمریکا که در میدان جنگ با فرسایش شدید ناوگان، بحران انرژی و رشد بی‌سابقه بهره اوراق قرضه در داخل مواجه شده، تلاش می‌کند با چماق تحریم از یک‌سو و ارسال پیام‌های دیپلماتیک از سوی دیگر، شکست راهبردی خود را پنهان کند؛ غافل از آنکه اتاق محاسبات جمهوری اسلامی ایران دست فریبکاران را خوانده و آگاه است که مقصد این رفت‌وآمدها، نقد کردن یک‌طرفه امتیازات بدون دادن مابه‌ازای واقعی است.

فرار از شکست میدان با فریب مذاکره

حضور عاصم منیر که یک مهره آمریکایی است در تهران، آن هم پس از تماس تلفنی مستقیم با ترامپ قمارباز، بیش از آنکه یک حرکت دیپلماتیک متوازن باشد، اجرای یک ماموریت محوله از سوی کاخ سفید است. رئیس‌جمهور آمریکا که پیش‌تر با شرط‌بندی روی اثرگذاری فوری محاصره دریایی، از توافقات خارج شده و با تکبر خود را بی‌نیاز از گفت‌وگو نشان می‌داد، اینک تحت فشار شدید اقتصادی ناچار به عقب‌نشینی شده است. حضور ناوگان جنگی آمریکایی شامل ناوهای هواپیمابر و ناوشکن‌ها در اطراف منطقه، نه‌تنها اقتدار به همراه نیاورده، بلکه با دو چالش مرگبار مواجه است: فرسایش شدید نفرات و تجهیزات در ماموریت طولانی‌مدت، و تهدید مستقیم و عملیاتی ایران به شلیک علیه ناوگان محاصره‌کننده. آمریکا سعی دارد با ارسال پیام‌های تهدیدآمیز ایران را نیازمند مذاکره نشان دهد؛ در حالی که واقعیت صحنه کاملا معکوس است. این واشنگتن است که برای فرار از بحران خودساخته انرژی و خروج از بن‌بست نبرد هرمز، شدیداً محتاج بازگشت ایران به میز مذاکره است.

چماق پوسیده تحریم و تئوری «D–Day اقتصادی»

در سوی دیگر صحنه، مقامات آمریکایی تلاش می‌کنند با بالا نگه داشتن چماق جنگ و تحریم، محاسبات مسئولان جمهوری اسلامی را تغییر دهند. اظهارات اخیر اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا و رونمایی از طرح موسوم به «روز دی اقتصادی» (Economic D-Day)، چیزی جز تکرار ناشیانه نسخه‌های شکست‌خورده گذشته نیست. بسنت این طرح را «بزرگ‌ترین تهاجم مالی سازمان‌یافته» خوانده و از خفگی اقتصادی ایران سخن می‌گوید. همزمان، دونالد ترامپ در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» مدعی می‌شود که ایران «به‌طور کامل در حال فروپاشی است»!

این ادعاها و خطونشان کشیدن‌ها در شرایطی مطرح می‌شود که واشنگتن پس از ناکامی در میدان نظامی، مجدداً میدان منازعه را به شبکه‌های مالی، انرژی و لجستیک منتقل کرده است. بازگشت به ادبیات «کمرشکن‌ترین تحریم‌های تاریخ»، بیش از آنکه نشانه اقتدار یا طراحی یک راهبرد تازه باشد، تکرار ابزارهایی است که طی دهه‌های گذشته نتوانسته اراده ملی ایران را درهم بشکند. واشنگتن گمان می‌کند با ایجاد ارعاب اقتصادی می‌تواند ایران را به پذیرش یک توافق ضعیف‌تر وادار کند، غافل از اینکه موازنه آسیب‌پذیری تغییر کرده و اقتصاد جهانی بیش از ایران، طاقت فشار بر تنگه‌های حیاتی را ندارد.

ایران بلد است تحریم‌ها را دور بزنند!

در همین راستا، روزنامه واشنگتن‌پست در تحلیلی درباره راهبرد جدید دولت دونالد ترامپ علیه ایران می‌نویسد: آمریکا پس از شش ماه حملات بی‌نتیجه و تلاش‌های ناموفق برای رسیدن به توافق، به سمت مهار اقتصادی ایران رفته است؛ اما تجربه طولانی ایران در دور زدن تحریم‌ها، همراه با وابستگی آمریکا به همکاری چین و محدودیت‌های خود سیاست تحریمی، می‌تواند اجرای این راهبرد را با مشکل جدی روبه‌رو کند.

در بخش دیگری از این گزارش آمده است: ایران طی دهه‌ها تحریم، شبکه‌ها و روش‌های پیچیده‌ای برای دور زدن محدودیت‌های مالی و تجاری ایجاد کرده است. به همین دلیل، اجرای یک سیاست «بدون نشت» آن‌طور که اسکات بسنت وعده داده، بسیار دشوار خواهد بود.

این روزنامه با توجه به اینکه تحریم، جنگی بدون نقطه پایان است، می‌نویسد: آنچه دولت ترامپ «روز D اقتصادی» می‌نامد، بیش از آنکه یک ضربه نهائی به اقتصاد ایران باشد، آغاز یک کارزار طولانی برای مهار ایران است. اما واشنگتن برای موفقیت این سیاست با دو مانع اساسی روبه‌روست: ایران در طول دهه‌ها تحریم، راه‌های دور زدن آنها را آموخته و چین نیز همچنان مهم‌ترین خریدار نفت ایران است. حتی در صورت اجرای موفق تحریم‌ها نیز تضمینی وجود ندارد که فشار اقتصادی به تغییر رفتار یا فروپاشی حکومت منجر شود.

موضع قاطع شعام

در پاسخ به این طراحی پیچیده دشمن و خطای محاسباتی کاخ سفید، شورای‌عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران اتمام‌حجت صریح و شفاف خود را اعلام کرد. مواضع سرلشکر رضایی، دبیر شورای‌عالی امنیت ملی، خطوط قرمز جدید و دکترین تهاجمی ایران را بدون هیچ ابهامی رسم کرده است: «به همه کشورهای اطراف می‌گوییم در جنگ اقتصادی با آمریکا شریک نشوید وگرنه آن را دشمن تلقی می‌کنیم.»

«دنبال توسعه جنگ نیستیم اما اگر کشورهای اطراف ایران در جنگ اقتصادی با آمریکایی‌ها همراهی کنند منافعشان را می‌زنیم.»

«اگر کشورهای اطراف ایران در جنگ اقتصادی با آمریکایی‌ها همراهی کنند یک قطره نفت از خلیج‌فارس و تنگه هرمز بیرون نخواهد رفت و مسیرهای دیگری که نفت از خلیج‌فارس صادر می‌شود را هم هدف قرار می‌دهیم.»

این مواضع قاطعانه نشان می‌دهد که ایران استراتژی خود را بر پایه افشای قمار آمریکا و متحدانش تنظیم کرده است. تحریم و محاصره دریایی آمریکا اکنون با پاسخ متقابل ایران در ابعاد فراگیر مواجه شده است. اگر هدف ترامپ از محاصره، تسلیم ایران بود، اکنون جهش قیمت نفت و اختلال در تجارت بین‌المللی می‌تواند باعث شکست سخت وی در انتخابات میان‌دوره‌ای و حتی تحریک فرآیند استیضاح او شود.

از سوی دیگر، دولت‌های عربی منطقه نیز که در مواجهه با محاصره احتمالی کالا و انرژی قرار دارند، با خطر بی‌ثباتی داخلی روبه‌رو هستند. ایران با تسلط بر تنگه هرمز و گسترش دامنه بازدارندگی به باب‌المندب، معادله جدیدی را طرح کرده است: در برابر هر بار تعلیق یا خروج آمریکا از توافقات (نظیر آنچه در توافقات قبلی رخ داد)، واشنگتن با خواسته‌های کلان‌تر و شروط محکم‌تری شامل رفع کامل محاصره، آزادسازی تمام پول‌های بلوکه‌شده، لغو تحریم‌ها و عقب‌نشینی عملی نیروهای نظامی مواجه خواهد شد.

جاده‌صاف‌کنی مدعیان اصلاحات برای پروژه تسلیم

اما تلخ‌تر از دشمنی آشکار کاخ سفید، رفتار جریان مدعی اصلاحات در داخل کشور است. در شرایطی که نیروهای مسلح و شعام در حال تحمیل اراده خود به دشمن هستند، رسانه‌ها و چهره‌های این جریان با اتخاذ مواضع ساده‌لوحانه و البته هدفدار، عملاً به صدا و بلندگوی داخلی موساد و سی‌آی‌ای تبدیل شده‌اند.

این جریان با برجسته‌سازی عباراتی همچون «مردم زندگی می‌خواهند»، «نه به جنگ» و «صلح شرافتمندانه» و با انتشار تیترهایی نظیر «سفیر نجات تفاهم»، «ماموریت ژنرال»، «تهران؛ آخرین پیچ میانجیگری» و «آخرین نفس‌های دیپلماسی»، رسماً نسخه تسلیم مطلق را می‌پیچند. آن‌ها با سیاه‌نمایی از وضعیت اقتصادی، ادعای خالی بودن سفره مردم و صفر شدن فروش نفت، قصد دارند هراس کاذب ایجاد کرده و مسئولان را مجبور به پذیرش شروط دیکته‌شده آمریکا کنند.

این جاده‌صاف‌کنی رسانه‌ای، دقیقاً مکمل «عملیات فریب» واشنگتن است؛ دشمن از بیرون چماق تحریم و عملیات میانجی‌گری را جلو می‌آورد و جریان مدعی اصلاحات از داخل با ضعیف‌نمایی، جامعه را دچار خطای محاسباتی می‌کند. اما یک سؤال اساسی از این جریان باید پرسیده شود: جنگ و تحریم را چه کسی آغاز کرد؟ آیا عقب‌نشینی در برابر متجاوز، امنیت می‌آورد یا جری‌تر شدن دشمن را به همراه دارد؟

پاسخ پشیمان‌کننده؛ پایان قمار ترامپ

تجربه مقاومت در سال‌های گذشته اثبات کرده است که اعطای کانال‌های تنفسی محدود یا معافیت‌های موقت تحریمی توسط دشمن، راهکار پایداری نیست و بیشتر یک مسکّن اقتصادی است. امروز ایران در نقطه‌ای ایستاده که وعده‌های سرخرمن و امتیازهای نسیه را نمی‌پذیرد و به تفاهم نامه‌های مرده بسنده نمی‌کند.

محاسبات واشنگتن و پادوهای داخلی‌اش دچار اختلال شدید شده است. همان‌طور که دبیر شورای‌عالی امنیت ملی تصریح کرده، هرگونه غلط اضافه، دست‌درازی یا تداوم جنگ اقتصادی با پاسخی کوبنده، قاطع و پشیمان‌کننده مواجه خواهد شد. فرستادن میانجی‌ها و تکرار واژگان ساختگی مانند «D-Day اقتصادی» نمی‌تواند واقعیت میدان را تغییر دهد؛ میدانی که در آن ابتکار عمل در دست جمهوری اسلامی ایران است و آمریکا راهی جز پذیرش واقعیت قدرتمند ایران و پایان دادن به سیاست‌های خصمانه خود ندارد.

بقائی به مناسبت سالروز اشغال ایران توسط نیروهای متفقین در ۱۳۲۰:

اقتدار ملی تنها عامل بازدارندگی؛ تجربه اشغال متفقین از ضمیر ایرانیان فراموش نمی‌شود

سخنگوی وزارت امور خارجه در هشتاد و پنجمین سالروز هجوم قوای نظامی متفقین به ایران در سال ۱۳۲۰، با یادآوری پیامدهای اشغال کشور و خسارات و آسیب‌های ناشی از آن، تأکید کرد که صیانت از عزت ملی و استقلال ایران مستلزم خودباوری و اراده‌ای مستحکم برای مقاومت است.

اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه روز سه‌شنبه ۳ شهریور در پیامی در شبکه ایکس به مناسبت سالروز هجوم قوای نظامی متفقین به ایران در سال ۱۳۲۰ و اشغال ایران- که به مدت ۶ سال ادامه یافت و خسارات و آسیب‌های زیادی به ایران وارد کرد- نوشت: امروز، ۳ شهریور، هشتاد و پنجمین سالروز هجوم طرف‌های درگیر در یک جنگ ویرانگر به ایران است. در بامداد روز سوم شهریور ۱۳۲۰، یعنی تنها ۸۵ سال قبل، میهن ما برای دومین بار در عرض کمتر از سه دهه، با بی‌رحمی تمام از سوی قوای نظامی کشورهای درگیر در جنگ جهانی اشغال شد؛ علی‌رغم اعلام بیطرفی رسمی حکومت شاهنشاهی، که بعدها محمدرضا پهلوی هم با شرمساری آن را توهم «قفس طلایی بیطرفی» در «جهانی با منطق زور» نامید، در آن واقعه، شوروی از شمال و شرق و انگلیس از جنوب و غرب، از زمین و هوا به ایران حمله‌ور شدند؛ ارتش شاهنشاهی ایران در مدت چند روز متلاشی شد، شهرهای مهم به تصرف درآمدند، همه ایران اشغال شد و شاه مملکت تنها ۲۲ روز بعد از تهاجم نیروهای بیگانه، بدون مقاومت از سلطنت کناره‌گیری کرد و به شیوه‌ای تحقیرآمیز به یکی از مستعمرات دورافتاده انگلیس در اقیانوس هند تبعید شد.

سخنگوی وزارت امور خارجه با تاکید بر اینکه آن تجربه تلخ و جانکاه هیچ‌گاه از ضمیر ایرانیان فراموش نمی‌شود؛ نوشت: در هر دو جنگ جهانی که اروپا بر دنیا تحمیل کرد، سخت‌تر از ویرانی کشور، از دست‌رفتن جان‌های بی‌شمار و غارت دارایی‌های ایرانیان، اهانتی بود که به حیثیت ملت شریف و نجیبی وارد آمد که در آن آتش‌افروزی‌ها هیچ نقشی نداشتند. به گزارش ایرنا، بقائی خاطرنشان کرد: ایران مقتدر که با سربلندی بر بحران‌های سهمگین فائق آمده است، امروز در برابر آزمون سرنوشت‌ساز دیگری قرار گرفته است. ما به تجربه آموخته‌ایم که صیانت از عزت ملی و استقلال ایران، مستلزم خودباوری و اراده‌ای مستحکم برای مقاومت است و اقتدار ملی با همه مؤلفه‌هایش تنها عامل بازدارنده و مؤثر در برابر زیاده‌خواهی و تجاوزگری بیگانه است.

گفت و شنود

یکی هم توی غاره!

گفت: تازه چه خبر؟!

گفتم: رسانه‌های معروف و مقامات آمریکایی و اروپایی با ارائه ده‌ها سند و شواهد غیرقابل انکار از شکست قطعی ترامپ در حمله نظامی به ایران خبر می‌دهند.

گفت: یک کارشناس آمریکایی گفته است؛ ترامپ برای سرپوش گذاشتن بر ماجرای فضاحت‌بار اپستین، جنگ با ایران را شروع کرد و حالا برای فرار از رسوایی شکست به دنبال راهکاری برای خروج آبرومندانه(!) از جنگ می‌گردد!

گفتم: جزیره فحشاء را اپستین با ماموریت از سوی رژیم صهیونیستی راه انداخته بود و اسناد موجود حکایت از آن دارند که نتانیاهو با تهدید ترامپ به افشای کثافت‌کاری‌هایش در جزیره فحشاء او را وادار به جنگ با ایران کرده است.

گفت: حالا نتانیاهو خودش را کنار کشیده و ترامپ بدبخت بیچاره پلید کودک‌خوار برای نجات خود به این در و آن در می‌زند!

گفتم: دو نفر برای شکار شیر رفته بودند، یکی از آنها به شیر شلیک کرد ولی تیرش به خطا رفت و شیر به آنها حمله کرد. آن‌که شلیک کرده بود برای فرار از حمله شیر بالای درخت رفت و آن دیگری وارد یک غار شد ولی هر چند دقیقه یک‌بار از غار بیرون می‌آمد و دوباره با حمله شیر درون غار می‌رفت. آن‌که بالای درخت بود، پرسید چرا درون غار نمی‌مانی؟ و یارو گفت؛ فلان‌فلان شده، آخه یک شیر هم درون غار است!

هشدار فرمانده نیروی زمینی ارتش به تکفیری‌ها و عناصر معاند

فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران به گروهک‌های تکفیری وعناصر معاند مستقر در آن‌سوی مرزها هشدار داد: مرزهای ایران خط قرمز است و هرگونه تحرک، شرارت و اقدام علیه آن با پاسخی قاطع و کوبنده مواجه خواهد شد.

امیر سرتیپ علی جهانشاهی، فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در جریان بازدید از مناطق مرزی شمال‌شرق کشور و بررسی میزان آمادگی رزمی، توان دفاعی و نحوه استقرار یگان‌های این نیرو در مرزها، گفت: نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از اشراف اطلاعاتی کامل، تمامی تحرکات دشمن در آن‌سوی مرزها را به‌صورت شبانه‌روزی رصد و پایش می‌کند.

وی افزود: این اشراف اطلاعاتی موجب شده است تا طرح‌های عملیاتی رزم زمینی دشمن پیش از هرگونه اقدام مؤثر، شناسایی و خنثی شود و دشمن نتواند اهداف خود را در نزدیکی مرزهای جمهوری اسلامی ایران عملیاتی کند.

فرمانده نیروی زمینی ارتش با اشاره به آمادگی بالای یگان‌های این نیرو در مرزهای شمال‌شرق کشور تصریح کرد: استقرار یگان‌های متحرک هجومی و واکنش سریع در مرزها، در کنار آمادگی همه‌جانبه نیروهای مسلح، موجب ایجاد بازدارندگی مؤثر در برابر تهدیدات دشمن شده است.

امیر سرتیپ جهانشاهی ادامه داد: امروز تمامی ظرفیت و توان یگان‌های نیروی زمینی ارتش در مرزهای کشور، در خدمت تأمین امنیت، صیانت از مرزهای جمهوری اسلامی ایران و مقابله با هرگونه تهدید قرار دارد و اجازه نخواهیم داد هیچ دشمنی امنیت مرزنشینان عزیز و مردم ایران اسلامی را خدشه‌دار کند.

به گزارش مهر، وی با اشاره به عملکرد نیروی زمینی ارتش در جنگ تحمیلی اخیر در حوزه پهپادی گفت: نیروی زمینی ارتش در حوزه پهپادی به دستاوردهای ارزشمندی دست یافته است و در جریان جنگ تحمیلی اخیر نیز با به‌کارگیری پهپادهای تهاجمی «آرش»، اهداف و پایگاه‌های نیروهای آمریکایی در منطقه را با دقت مورد اصابت قرار داد.

فرمانده نیروی زمینی ارتش در ادامه با هشدار به گروهک‌های تکفیری و عناصر معاند مستقر در آن‌سوی مرزها که درصدد ایجاد ناامنی و انجام اقدامات تروریستی در نزدیکی مرزهای کشور هستند، خاطرنشان کرد: هرگونه تحرک، شرارت و اقدام علیه مرزهای جمهوری اسلامی ایران با پاسخی قاطع و کوبنده مواجه خواهد شد.

امیر سرتیپ جهانشاهی تأکید کرد: در صورت هرگونه تجاوز و تعدی، تمامی مواضع و پایگاه‌های عوامل تهدیدکننده امنیت کشور، در تیررس توان پهپادی و توپخانه‌ای یگان‌های نیروی زمینی ارتش قرار خواهد داشت و پاسخ نیروهای مسلح به هرگونه تهدید، سریع، دقیق و پشیمان‌کننده خواهد بود.

وی همچنین با اشاره به تجهیز یگان‌های نیروی زمینی ارتش به تسلیحات و تجهیزات نوین گفت: امروز نیروی زمینی ارتش در بالاترین سطح آمادگی رزمی قرار دارد و با بهره‌گیری از تجهیزات و تسلیحات جدید، متناسب با هر نوع تهدید، طرح و برنامه عملیاتی مشخصی برای مقابله با دشمن در اختیار دارد. فرمانده نیروی زمینی ارتش در پایان تأکید کرد: مرزهای جمهوری اسلامی ایران خط قرمز نیروهای مسلح است و هرگونه تجاوز و تعدی به خاک مقدس ایران اسلامی، با پاسخی قدرتمندتر از گذشته مواجه خواهد شد.

خبر ویژه

صدای واشنگتن را در ایران می‌شنوید! شرافتمندانه تسلیم شوید!

محمد خاتمی، انتحاری آمریکا در ایران در دیدار با سیدهادی خامنه‌ای باز هم نام تسلیم مقابل رژیم تروریست مطبوعش را به صلح تغییر داد و در پوشش شرافت و عقل، بر دستیابی به صلح شرافتمندانه تاکید کرد.

سیدهادی خامنه‌ای نیز از علاقه عاطفی رهبر شهید به خاتمی گفت و مواضع سرکرده باند اصلاحات و الیگارشی غربگرا در ماه‌ها و روزهای اخیر را مهم و قابل توجه در جهت راهبردهای سیاسی و بین‌المللی کشور دانست.

در پاسخ؛ اول باید به تحریف بزرگ انجام شده توسط سیدهادی خامنه‌ای در ادعای او مبنی بر علاقه عاطفی رهبر شهید به خاتمی پرداخت که عاری از واقعیت است. خاتمی از سران فتنه ۸۸ است که با بردگی آمریکا و اجرای نقشه‌های دشمن به همراه دیگر سران فتنه تقلای براندازی نظام را داشت اما کور خواند.

خاتمی با تهمت تقلب در انتخابات به نظام همراهی کرد اما در خفا اعتراف کرد که تقلبی نشده است که سقوط انسانی و حقد و کینه او علیه انقلاب و نظام اسلامی را نشان می‌دهد. چگونه می‌شود که امام شهید به این شخص علاقه داشته باشد؟ جرج سوروس از بزرگ‌ترین صهیونیست‌های جهان و پدر انقلاب‌های رنگی است.

این سرمایه‌دار صهیونیست، خاتمی را به عنوان نماینده و کارگزار خود برای فتنه‌گری علیه ایران و اسلام و براندازی نظام اسلامی برگزیده بود. دیدار با سورس صهیونیست و همراهی با فتنه‌های بعدی علیه نظام نیز از جمله دیگر سوابق سیاه و رسیدگی نشده خاتمی است.

نکته دیگر اینکه، آمریکا با نهایت خوی استکباری و تروریستی خود به قتل رهبر شهید، دانش‌آموزان میناب و... اقدام می‌کند، ترامپ تنگه هرمز را قلمرو آمریکا اعلام می‌کند، در داخل هم صدای این رژیم تروریست یعنی خاتمی و برخی دیگر ایران را مقصر جنگ جا می‌زنند و می‌گویند صلح کنیم تا ترامپ بداند بمباران ایران هزینه‌ای برایش ندارد و می‌تواند همان‌طور که اعلام کرد، ایران را نابود کند. ترامپ در حالی‌که اندیشمندان غربی و عناصر سیاسی در آمریکا می‌گویند فشار حداکثری علیه ایران شکست خورده، با وجود طیف غربگرا به ویژه خاتمی امیدوار است که نظام را سرنگون و ایران را به عصر حجر بازگرداند.

این طیف که تا خرخره از رانت اقتصادی برخوردار است، اجازه فعال‌سازی ظرفیت‌های گسترده ایران برای مدیریت اقتصادی و رفع محاصره را نمی‌دهد و با سیاه‌نمایی‌ها و اظهار عجز و ضعف، آدرس حمله به ایران را به آمریکا و اسرائیل می‌دهد. این افراد به دنبال تسلیم ایران و تخریب امنیت روانی مردم هستند و باید مورد پیگرد قانونی و قضائی قرار بگیرند.

رگه‌هایی از این رویکرد متأسفانه در برخی مسئولان نیز دیده می‌شود زیرا دشمن جنگ وجودی به ایران تحمیل کرده و نه تنها به واگذاری مؤلفه‌های قدرت ایران مانند توان هسته‌ای، موشکی، منطقه‌ای و... راضی نیست بلکه می‌خواهد ایران را تجزیه کند، در این شرایط که مسئولان باید باید سیگنال قوت و قدرت به دشمن ارسال کنند و در برابر تهدید دشمن بایستند، نقاط ضعف را فریاد می‌زنند و القا می‌کنند که نمی‌توانیم کار را جلو ببریم. در حالی‌که برای آن نقاط ضعف، راه‌حل‌های قوی و راهبردی بسیاری وجود دارد اما نادیده گرفته می‌شود. ملت مبعوث ایران با تبعیت از امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) پشتیبان مقاومت ایران اسلامی و نیروهای مسلح و آماده گسترش نقش‌آفرینی در راستای پیشرفت کشور است و اجازه نمی‌دهد دشمن به اهداف پلیدش برسد.

چَنته خالی ترامپ و تحریم نمایشی

تحریم‌های جدید وزارت خزانه‌داری آمریکا از نظر نشریه «اکونومیست»، لفاظی و از نظر «رابرت مالی»، طرحی مبهم است که می‌تواند نتیجه عکس داده و ایران را تهاجمی‌تر کند.

ناکامی تاجر آمریکایی در میدان نبرد با ایده دهن‌پرکن و نمایشی «Economic D-Day» ادامه دارد؛ طرحی جایگزین که قرار است جبران سیلی محکم ایران به آمریکا و تلخ‌کامی یانکی‌ها در عرصه نبرد باشد و با فشار اقتصادی و تحریم مضاعف، اعتبار رو به کاهش ترامپ را ترمیم کند.

هفته‌نامه بریتانیایی «اکونومیست» طرح D-Day را از پیش شکست خورده خواند و نوشت: «پکن حدود ۹۰ درصد از صادرات نفت خام ایران را خریداری می‌کند و به اعتقاد آمریکا، این درآمد تقریبا نیمی از بوجه سال گذشته ایران را تامین کرده. امارات متحده عربی نیز به‌رغم اعلام قطع روابط تجاری با ایران در ۱۸ اوت بر اثر هدف قرار گرفتن کشتی‌های متخلف آن در تنگه هرمز، تاکنون بیش از هر کشور دیگری به ایران کالا صادر کرده است».

این نشریه بریتانیایی در ادامه نتیجه گرفت: «در حال حاضر این تهدیدها بیش از آنکه عملی باشند، جنبه لفاظی و هشدار دارند. کشورها ملزم به اجرای فوری خواسته‌های آمریکا نیستند».

رسانه آمریکایی «آسوشیتدپرس»، دیگر رسانه‌ای بود که ایده D-Day را محکوم به شکست خواند و نوشت: «ترامپ با کشوری مواجه است که اقتصاد آن از قبل برای زندگی زیر تحریم طراحی شده است».

آسوشیتدپرس در ادامه به خنثی‌سازی تحریم‌ها اشاره و تاکید کرد: «تحریم‌های جدید شاید بی‌سابقه باشد اما ایران قبلاً شبکه‌های غیررسمی تجارت، انتقال پول و صادرات نفت را ایجاد کرده است».

«رابرت مالی»، مسئول پرونده ایران در دولت جو بایدن نیز معتقد است که تحریم‌ها مبهم است و احتمال دارد که نتیجه عکس داده و ایران را تهاجمی کند. مالی نوشت: «اگر تحریم‌ها به معنایِ واقعی اقتصاد ایران را به زانو درآورند، تهران بیش از آنکه تسلیم شود، احتمالاً دست به اقدام تلافی‌جویانه خواهد زد تا اطمینان یابد آمریکا، منطقه و جهان گسترده‌تر نیز بهای سنگینی برای این جنگ اقتصادی می‌پردازند».

به اعتقاد معمار تحریم‌های آمریکا علیه ایران، تغییر رویکرد صرفاً با تحریم حاصل نمی‌شود؛ «ریچارد نفیو» با اشاره به ابهام تحریم‌ها تاکید کرد: تحریم‌ها زمانی مؤثرند که با هدف سیاسی روشن و مسیر مذاکره همراه باشند؛ صرفاً افزایش فشار اقتصادی تضمین‌کننده تغییر رفتار تهران نیست.

سخنگوی وزارت خارجه در دولت باراک اوباما نیز در مصاحبه‌ای اعلام کرد: تحریم نه به جنگ پایان می‌دهد نه ایران را از اعمال پیشین منصرف می‌کند.

«جان کربی»، ژنرال بازنشسته نیروی دریایی آمریکا و سخنگوی وزارت خارجه در دولت «باراک اوباما» در مصاحبه با رسانه «ام.اس نو» گفت: «نمونه‌ای از پایان یک جنگ با تحریم در تاریخ نیست».

چنته ترامپ خالی است؛ از این رو در آستانه انتخابات میان دوره‌ای برای ترمیم اعتبار از دست رفته خود به اقدامات نمایشی روی آورده و طرح از پیش شکست خورده «دی.دی» را پیش کشید؛ طرحی که از نظر رسانه‌ها لفاظی است و کارکرد مؤثر گذشته را ندارد.

به عبارت دیگر تحریم‌های اخیر یک نمایش است که با وجود جنگ، کارکرد فشار روانی را نیز از دست داده و بی‌اثر به نظر می‌رسد.

طبیب‌نماهایی که روی زخم نمک می‌پاشند

محمدرضا تاجیک و هم‌قطاران مدعی اصلاحات، این روزها با وام‌گیری از تمثیل طنزآمیز «احمق‌های چلم» و بافتن ریسمان سوزان سانتاگ به نیچه، ردای اطبای سیاسی بر تن کرده و در یادداشتی با ادعای «لمس تراژدی»، گزاره‌هایی شگفت‌انگیز را تئوریزه کرده‌اند.

وی با مشابه‌سازی ساختار تصمیم‌گیری کشور به شورای دانایان شهر چلم، مدعی شده‌اند که«ایرانیان ارتدکس‌مشرب (راست‌کیش) ایرانِ امروز» با انکار اصل بحران، پاک کردن صورت‌مسئله، خفه کردن صدای نخبگان و پناه بردن به جنگ‌طلبی، کشور را به سوی ویرانی می‌برند و ایستادگی ملت را نغمه‌ای ناجور و ساختن تراژدی می‌نامند.

اما آقای تاجیک! پیش از آنکه با این ژست‌های آوانگارد ادبی، دلسوزان انقلاب و پاسداران این آب و خاک را به بی‌بصیری و ناآگاهی متهم کنید، بفرمایید شما و هم‌فکرانتان کجای این تراژدی ایستاده‌اید؟! نکند در تاریک‌خانه توهمات غرب‌گرایانه خود، فکر می‌کنید این ایران است که مدام نقض عهد می‌کند و نه آمریکا؟ یا گمان کرده‌اید این ایران است که جنگ، ترور و تحریم‌های فلج‌کننده را آغاز کرده و نه رژیم تروریست‌پرور ایالات متحده؟ نکند در این وارونگی شناختی، فکر کرده‌اید رئیس‌جمهور آمریکا را ما ترور کردیم و همزمان خون کودکان بی‌گناه در مدارس و بیمارستان‌ها را ما با بمباران‌های بی‌امان بر زمین ریخته‌ایم؟!

تراژدی واقعی و دهشتناک، ندیدن خنجر آخته دشمن و مقصر دانستن مظلوم است. شما که روزگاری با ساده‌لوحی در برابر کدخدا، خسارت‌بارترین تصمیمات دیپلماتیک را برای کشور تئوریزه می‌کردید و خود معماران اصلی اعتماد بی‌جا به غرب بودید، اکنون که طشت رسوایی تمدن وحشی غرب از بام جهان افتاده، چشم بر حقیقت عریانِ قاتلان و دژخیمان بسته‌اید و باز هم ریشه تمام مشکلات را در داخل و در مقاومتِ یک ملت جست‌وجو می‌کنید.

شما در آغاز یادداشت خود از «چشم بصیر» سعدی شاهد می‌آورید تا ندیدن و تحلیل‌های وارونه‌تان را پشت ادبیات فاخر پنهان کنید؛ غافل از آنکه غبار سیاست‌بازی و خودباختگی، همان چشم ظاهربینتان را هم پوشانده است. شیخ اجل، سعدی شیرازی، گویی قرن‌ها پیش حال و روز امروز شما و هم‌قطارانتان را در مواجهه با حقیقت این‌گونه سروده است:

حقیقت سرایی است آراسته — هوی و هوس گرد برخاسته
نبینی که جایی که برخاست گرد — نبیند نظر گرچه بیناست مرد

آن‌کس که اسیر پیرنگِ حقارت‌پنداری و خودساخته خویش است، شمایید که مقاومت شرافتمندانه یک ملت در برابر گرگ‌های بین‌المللی را «تراژدی» می‌خوانید تا ردِ خونین دستان دژخیمان آمریکایی و صهیونیستی در پس واژه‌های پرطمطراق و ادعاهای روشنفکرانه پنهان بماند.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵
ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

* روزنامه نیویورک تایمز فاش کرد: ایران، پدافند آمریکا در اردن را درهم شکست. آنها طی پنج روز حملات موشکی و پهپادی مداوم به سه پایگاه آمریکایی در اردن، با استفاده از موشک‌های مانورپذیر و تاکتیک اشباع، پدافند هوائی را تحت فشار قرار دادند و رهگیرهای پاتریوت را از کار انداختند! غربگرایان و مدافعان عمو ترامپ! بگویند چه کسی پیروز میدان نبرد است؟!

عباسی

* جو کنت، رئیس مستعفی مرکز مبارزه با تروریسم دولت ترامپ می‌گوید؛ تنها گزینه آمریکا کنار کشیدن از جنگ است. غیرت و شرافت ملی به ایران اجازه نمی‌دهد که ترور آیت‌الله خامنه‌ای و کشتار ۱۸۰ کودک دبستانی را نادیده بگیرد، لذا به دنبال شکست آمریکاست.

ضیایی

* امروز که ایران مقتدر و سربلند در ردیف کشورهای تراز اول جهان قرار گرفته است از نانو تکنولوژی و بیوتکنولوژی گرفته تا هسته‌ای و سلول‌های بنیادین، مستقیم و غیرمستقیم، همه این افتخارات، نتیجه اهتمام، پیگیری و حمایت‌های جدی رهبر شهید عزیزتر از جانمان است که همه به‌ویژه قشر جوان و تحصیل کرده باید ضمن قدرشناسی از امام شهید، به این حرکت شتاب دهند و کشورمان را سربلندتر از گذشته کنند.

ملایی

* شیطان بزرگ پس از شکست مفتضحانه در میدان و دیپلماسی، به دنبال اختلاف‌افکنی است. همه به‌ویژه مسئولان باید بسیار مراقب سخنان و عملکرد خود باشند. قطعاً وحدت در شرایط امروز ما، بیش از قدرت موشکی، بازدارندگی دارد.

عصمت‌پور

* آمریکای جنایتکار پس از ۴۷ سال تجربه تحریم ایران، باز هم بعد از شکست مفتضحاش در میدان به‌دنبال حربه خنثی شده تحریم بازگشت؟! آمریکا باید بداند همچنان که ۴۷ سال تجربه کرده است راه به جایی نخواهد برد و باید گور خود را از منطقه گُم کند!

کائینی

* مواضع تند واشنگتن نشانه قدرت نیست، بلکه بازتاب بحران عمیق داخلی در آمریکاست. بحرانی که پس از جنگ، واشنگتن را با این پرسش سخت روبه‌رو کرده که دستاورد واقعی‌اش از جنگ با ایران چه بوده است؟!

فائزی

* ۲۹ ایالت آمریکا، مالک اینستاگرام و فیسبوک را به دادگاه کشاندند! چرا که معتقدند الگوریتم‌های این پلتفرم‌ها برای بچه‌ها اعتیادآور و مضر است! اما در ایران، به‌جای تنظیم‌گری هوشمند و اعمال حاکمیت بر فضای مجازی، برای آزادسازی بی‌قیدوشرط پلتفرم‌ها یا قانون را دور می‌زنند یا با قانون‌گذاری جدید، اعتبار قواعد موجود را تضعیف می‌کنند و به آن‌هم افتخار می‌کنند!

قدیریان

* استفان والت، استاد دانشگاه هاروارد می‌گوید؛ آمریکا جنگ ایران را عملاً باخته است. پایان جنگ، مستلزم امتیازدهی واقعی به ایران است؛ اعلام پیروزی و خروج یک‌طرفه دیگر کارساز نیست. این دیگر سخن ما نیست بلکه از متن جامعه آمریکاست! چرا هنوز هم غربگرایان قائل پیروزی شیطان بزرگند؟!

واشقانی

* برای نخستین بار در ۴۳ سال گذشته، موجودی ذخایر استراتژیک نفت آمریکا (SPR) با افت ۶٫۱ میلیون بشکه‌ای در هفته به ۲۹۸٫۷ میلیون بشکه رسید بر اساس داده‌های تازه وزارت انرژی ایالات متحده، این رقم در قیاس با حجم حدود ۴۱۵ میلیون بشکه‌ای که پیش از رویارویی نظامی آمریکا و رژیم صهیونی با ایران ثبت شده بود، افتی چشمگیر را نشان می‌دهد و می‌توان گفت ذخایر نفت آمریکا خشکید.

دارنجانی

* مک‌کافری، ژنرال چهارستاره بازنشسته ارتش آمریکا که از کهنه‌سربازان جنگ ویتنام و فرمانده میدانی سابق نیروهای آمریکایی در جنگ خلیج‌فارس بوده، وضعیت کنونی آمریکا در قبال ایران را یک بن‌بست کامل توصیف کرده و اذعان داشته آمریکا دیگر گزینه نظامی مؤثری برای بازگشایی تنگه هرمز در اختیار ندارد. و این اقدام مستلزم اعزام نیروهای زمینی گسترده، یک عملیات حدوداً یکساله و تحمل تلفات قابل‌توجه آمریکایی خواهد بود.

اژدر

* اولاً اعداد و ارقام کسری ۱۵ تا ۲۰ میلیون لیتر روزانه بنزین که از سوی مسئولین اعلام شده صحیح نیست. میزان کسری بنزین در کشور به طور متوسط در حدود روزانه ۴ تا ۵ میلیون لیتر می‌باشد. ثانیاً واگذاری تعیین قیمت بنزین به بازار، بی‌مسئولیتی دولت را می‌رساند که جای تامل و تاسف دارد.

خردمند

* آمریکا هدفش از احداث پایگاه در این منطقه علی‌الظاهر دفاع از کشورهای عربی بود. اما الان وضعیت به‌گونه‌ای رقم خورده که کشورهای عربی منطقه باید از این پایگاه‌ها حفاظت بکنند. تازه اگر بتوانند که تاکنون نتوانسته‌اند. نتیجه وابستگی به بیگانه و امنیت اجاره‌ای بهتر از این نخواهد شد.

کیادلیری

* تجاوزی که آمریکا در نهم اسفند علیه ایران آغاز کرد، قرار بود معمار نظم نوین آمریکایی در منطقه غرب آسیا باشد. اما شش ماه بعد، ورق به صورت کامل برگشته است. ترامپ در جنگ با ایران در یک تحقیر استراتژیک گرفتار شده و نمی‌تواند بدون پرداخت هزینه سیاسی در داخل، از این جنگ خارج شود.

فرهادی

* در حالی که دولت قطر به اسارت گرفتن خلبانان ایرانی را تکذیب می‌کند ولی فیلمی در فضای مجازی منتشر شده که یک سرهنگ ارتش این کشور در مصاحبه با الجزیره اعلام می‌کند از خلبانان ایرانی بازجویی کرده است.

امیرشهر

* امروز بزرگ‌ترین و مهم‌ترین رسانه در کشور، خیابان است. افرادی که در خیابان حضور پیدا می‌کنند، چه سخنران و چه غیرسخنران باید وفاق‌ساز، پرحجم، پربصیرت، پرشور و مطالبه‌گر در صحنه باشند و صدا و سیما، همین حرکت را با این پنج ویژگی اعتلا ببخشد.

خاکسار

* آقای عارف معاون اول رئیس‌جمهور، از تکرار حوادث دی‌ماه سال گذشته ابراز نگرانی کرده است. اما همزمان از برنامه دولت برای رها کردن اینترنت و رها کردن قیمت‌ها هم حرف می‌زند. به ایشان عرض می‌کنیم همین دو قلم برای شروع فتنه جدید کافی است و دشمن هم روی این اقدامات برای راه‌اندازی آشوب برنامه‌ریزی می‌کند.

بخشیان

* مردم ایران نتیجه اعتماد به دولتمردان کاخ سفید را در لیبی، افغانستان، لبنان، غزه و عراق دیده‌اند و به‌خوبی به این درک سیاسی رسیده‌اند که برگ برنده خود را در جنگ تحمیلی سوم فدای بازی‌های سیاسی سیاستمداران غرب‌گرا نکنند.

شهریاری

* ایران و عراق دو ملت همسایه با اشتراکات مذهبی و پیوندهای عمیق تاریخی، فرهنگی و تمدنی هستند و قطعاً تاریخ خوانده‌های عراق بهتر از هر کسی می‌دانند که نام خلیج‌فارس را نمی‌توان با یک توئیت تغییر داد!

عابدپور

* آقای زنگنه نماینده مجلس گفته اصل قاچاق سوخت مربوط به پالایشگاه‌ها است. این حرف بسیار جدی و حائز اهمیت است. حالا معنای اینکه چرا واگذاری پالایشگاه‌ها اشتباه بود را شاید بتوان بهتر فهمید.

بابویی

* یکی از کم‌کاری‌ها و بی‌توجهی‌ها در وزارت نفت کالیبره نبودن شیرهای اندازه‌گیری نفت، بنزین و غیره است. چیزی شبیه به برخی از نازل‌های بنزین که کم می‌ریزد و زیاد نشان می‌دهد. با کالیبره نبودن، عایدی بخش مانده که ماهانه حدود چند میلیون دلار می‌شود را هزینه خود وزارت نفت می‌کنند. متاسفانه باید گفت این یک نوع فرار از قانون در وزارت نفت است.

پیشه‌ور

* حقیقت این است که نظام حکمرانی اداری کشور به هیچ وجه متناسب با شرایط جنگی نیست و آرایش جنگی آن ضعیف و ناقص است.

دانائی

* نمایش‌های تبلیغاتی با کلاه‌ها و شعارهای سفارشی، تنها سرپوشی بر این واقعیت تاریخی است که زنجیره دشمنی واشنگتن علیه ملت ایران، جز فهرستی از ناکامی‌های بزرگ برای ایالات متحده دستاورد دیگری نداشته است.

ضامن‌جانی

* به گفته کارشناسان، حکمرانی کشور در مرزهای زمینی با قبل از محاصره تفاوت محسوسی نداشته و هنوز صف‌ها و توقف‌های بعضاً چند هفته‌ای در مرزهای کشور مانند بازرگان گزارش می‌شود. در حالی که سایر کشورهای دنیا برای مدت زمان عبور کالا از مرزهای خود به دنبال رکوردشکنی در حد ساعت و دقیقه هستند، دستگاه‌های فعال در مرزهای ایران با ناهماهنگی رویه‌ای خود، هفته‌ها کالا را در مرز نگه می‌دارند.چرا؟!

ستوده